

## اشاره :

آنچه میخوانید خلاصه‌ای است از فصل اول کتاب «ایدئولوژی تقسیم بندی سه گانه هند و اروپائیه» (۱) اثر ژرژ دومزیل ، شرق شناس و محقق فرانسوی میدانیم که حدود یک قرن است که متفکران اجتماعی در مورد مسئله طبقات اجتماعی در جامعه‌های باستانی ، مطالعات بسیار کرده‌اند و نظریات متفاوت و گاه متضاد ابراز نموده‌اند . برای کسانی که راه حل ساده مسائل غامض تاریخ تطور جوامع انسانی را نمی‌پذیرند و «راحت الحلقوم» را چندان خوش ندارند، آشنائی با مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است بی‌فایده نخواهد بود. امیدوارم دوستان فاضلی که بر زبان فرانسه تسلط دارند و به مسائل اجتماعی علاقه‌نشان میدهند همت کنند و کتاب مورد بحث را (که مطالعه آن برای تمام کسانی که به مسائل جامعه شناسی بهر دلیل و برای رسیدن بهر هدفی ! - علاقه دارند ، ضروریست) به زبان فارسی ترجمه کنند. فاضلان و صاحب نظران نارسائی این «تلخیص و ترجمه» را به کم سوادی ما ببخشایند ، همینکه معدودی از علاقمندان لحظه‌ای به مطالب ارائه شده بیندیشند ما رابس است.

ژرژ دومزیل

تلخیص و ترجمه : غفار حسینی

# ایده‌ئولوژی تقسیم بندی سه گانه هند و اروپائیه

## سه کارکرد اجتماعی و ( COSMIQUE ) کائناتی

### ۱ - طبقات اجتماعی

یکی از مشخصات حیرت انگیز جامعه هند - پس از وداها تقسیم منظم آن به چهار طبقه اجتماعی است. هر طبقه با رنگی خاص (Varna) از این چهار طبقه ، سه طبقه اول - با وجود عدم تساوی - «خالص» اند ، چرا که کاملاً آریائی هستند . در حالیکه طبقه چهارم که بی تردید از مغلوبین فتح آریاها تشکیل شده‌اند ، از طبقه دیگر مجزا است و ذاتاً و طبیعتاً ، بگونه‌ای غیر قابل تطهیر «نجس» اند . از این طبقه که خارج از ساخت جامعه قرار دارد در این کتاب صحبتی نخواهد شد .  
وظائف هر یک از طبقات سه گانه فوق به شرح زیر است :

الف - برهمن‌ها - پیشوایان دینی - علوم دینی (مقدس) و تشریفات قربانی کردن را فرا می‌گیرند و تعلیم میدهند.

ب - کشاتریا ( یا (Rayanya) جنگجویان ، بانبروی خود و باسلاحهای

خود از مردم محافظت می‌کنند.

ج - وائیزیا (Vais'ya)

کارکشت و زرع و دامداری ، تجارت و بطور کلی کلیه امور مربوط به تولید مواد مورد نیاز جامعه را بر عهده می‌گیرند .  
بر این جامعه همانک شاه rajan

که معمولاً از طبقه دوم است ریاست می‌کند.

هر یک از گروههای کارکردی فوق ، باسلسله مراتب خود ، از طریق وراثت و درون همسری و مقررات دقیق بر خود متکی هستند و نمی‌توانند با گروههای دیگر در آمیزند .

تردیدی نیست که این نظام کاملاً ساخته و پرداخته هندی پس از «ریگ ودا» نیست . نام این طبقات فقط در کتاب دهم (وداها) در سرودهای مذهبی انسان ازلی (۱) که با نه کتاب دیگر کاملاً متفاوت است ، ذکر شده است .

در سال ۱۹۴۰ آقای و . م . آیت (V. M. A. Apte) دانشمند هندی ،

متون اصلی نه کتاب را جمع آوری کرده و ثابت کرده است که در زمان نوشته شدن

سرود های مذکور جامعه متشکل از سه گروه پیشوایان مذهبی ، جنگجویان ، و دامداران - بوده و علت اینکه این گروهها با نامهای بعدی خود در کتابهای نه گانه ذکر نشده‌اند اینست که این نامها بعدها از کار کردهای اصلی آنها مشتق شده است . در نظام قبلی اصول فعالیت های سه گانه آنها مشخص شده است . کارکرد برهمن‌ها (بیطرف neutee

«علوم و بکار بردن همبستگیهای عارفانه میان نیروهای واقعی ، مرئی یا نامرئی» است .

کشاتریا ، «قدرت» ، در عین حال شامل «دهقانان» و «ساکنان نظام یافته» است .

وائیزیا (در جمع ویزایا ویشا Visah) شامل «کل مردم در گروه بندیهای اجتماعی و محلی آنها» است .

غیر ممکن است بتوان معین نمود که تا چه حد وضع واقعی جامعه با این تئوریهها همساز بوده است . آیا گروه کم و بیش قابل توجهی از جامعه که با این

طبقات متفاوت بوده یا به گونه‌ای دیگر طبقه‌بندی میشده است از این طبقه بندی بر کنار نموده است ؟  
 آیا احتمالاً توارث در داخل هر طبقه ، در يك نظام مادر سالاری تعدیل و تصحیح نمیشده و احتمال ارتقاء را ایجاد نمی کرده است ؟  
 متأسفانه ، فقط تئوریه‌ها را در اختیار داریم .

#### ۴- طبقات اجتماعی اوستائی

نظر من و ف . اشپنگل در ۲۵ سال اخیر بر این بوده است که این تقسیمات سه گانه اجتماعی - دست کم به این شکل آریائی خود ، اندیشه‌ای بوده است که پیش از جدائی « هند و ایرانیها » وجود داشته است .

در چند قسمت اوستا از گروه‌ها یا طبقاتی بعنوان تشکیل دهندگان جامعه نام برده شده است (در اینجا نیز به رنگ آنها اشاره میشود: (Pistra) روحانیون (asauruan, asra van) جنگجویان (Rathacstra) (ارابه سواران یا ارابه‌سازان) (واژه‌ودائی آن صورت دیگر (rathe - stha) ایندراخدای جنگ است) و کشاورزان - دامپروران Vastryo - Psuyant . تنها در یکی از پاساژهای اوستا ، و در پاره‌ای از متون پهلوی ، پس از این سه طبقه ، از طبقه چهارمی به نام صنعتگران Artisana و "Hui ti" نام برده شده است . این طبقه چهارم ظاهراً باید بعدها به نظام سه طبقه‌ای که اضافه شده باشد .

در قرن دهم میلادی ، فردوسی روایت می‌کند که چگونه فریدون ، شاه افسانه‌ای lo yima xaeta اوستا ( طبقات اجتماعی را تشکیل می‌دهد . فریدون اسراوان asra van را از بقیه مردم جدا می‌کند و به آنان مأموریت میدهد که در کوهها بسرزند و مراسم مذهبی را بجا آورند و خود را وقف خداوند نمایند و طبقه دوم (ارتشتار (arseatar) که درسوی دیگر کشور قرار داده شدند «مانند شیر می‌جنگند و تا دندان مسلحند» هم آنان از تخت شاهی حراست می‌کنند . طبقه سوم "Vastryas" کار میکنند ، می‌کارند و میدروند ، بخاطر آنچه می‌خورند کسی آنان را نکوهش نخواهد کرد ، آنان «سرف» نیستند ، باینکه ژنده پوشند و در مقابل توهین و تحقیر بی‌تفاوتند .

بر خلاف جامعه‌هند ، این برداشتها در ایران نظام اجتماعی را به صورت يك نظام کاستی متعجب نکرده .

#### ۳- افسانه اصل و منشاء سکاها

یکی از شاخه‌های تغییر شکل یافته ایرانیها ، که با توجه به اینکه خود رانه در ایران ، بلکه خارج از آن ، در شمال دریای سیاه ، خارج از قلمرو امپراطوری های ایران یادیگران گسترش داده واجد اهمیت‌اند ، سکاها هستند . بسیاری از آداب و رسوم و افسانه‌ها و حتی زبان آنها از طریق هروودت بر ما شناخته است . این آداب و رسوم در قوم کوچکی در قفقاز مرکزی ، بانام استها ، "Ossetes" تا به امروز حفظ شده است .

بر طبق روایت هروودت ، سکاها اصل و منشاء خود را چنین می‌پندارند: «اولین مردی که در سرزمین آنها پیدا شد خود را Targitaos می‌نامید که از پسر زئوس و دختر Borysthene (دنیس امروزی) بوجود آمده بود . او خود سه پسر داشت . . .

در زمان زندگی آنان سه ایتر - طلائی از آسمان بر خاک سکاها فرود آمد . یوغ و خیش و تبر برادران به ترتیب پس از آنها نزدیک میشوند ، دو برادر بزرگتر ، بعلت شعله‌ور شدن ابزارها نمی‌توانند آنها را به دست آورند . برادر کوچکتر نزدیک میشود و ابزارها خاموش میشوند و وی آنها را به جنگ می‌آورد و برادران سرزمین سکاها را به او وامی‌کندارند .

از برادر بزرگتر ، سکاها باز می‌پندارند که او ختائی نامیده میشوند . او برادر دیگر کاسپاریا و تریایی و از برادری که شاه میشود پاراتی‌ها . به نظر من سکاها چهار قبیله داشته‌اند که یکی از آنها قبیله فرمانروا بوده است . شکار است این چهار چیز به سه فعالیت اصلی هند و ایرانیهای مقیم در سرزمین ایران معطوف است . یوغ و خیش به زراعت باز می‌گردد و تیرو کمان سلاح ملی سکاها بوده است .

#### ۵- خاندان پهلوانان نارت‌ها

(Nartres) جالب است اگر بدانیم که این ساخت ایدئولوژیکی جامعه در اشعار حماسی عامیانه استهای امروزی برجای مانده است . این ساخت ، به گونه‌ای پراکنده ، و در صورتهای متفاوت در

ترانه‌های عامیانه استها دیده شده و حدود صد سال است که از طرف يك موسسه مشترك روسها و استها ، بگونه‌ای منظم جمع‌آوری شده است . استها میدانند که پهلوانان قدیمی آنان بطور کلی به سه خاندان تقسیم شده‌اند :

« بر طبق نوشته‌های س . توگالف در ۱۹۲۵ ، بوریاتها (Les Boriates) رندهای بسیار داشته‌اند ، آلتگاتها (Alaegates) بسیار هوشمند بوده‌اند اگساتا کاتها

#### (AE xsaertakatae)

بوسیله دلیری و نیرومندی مردانشان شناخته میشده‌اند .

خصلت « روشنفکری » آلتگاتها به شیوه‌ای باستانی خود نمائی می‌کند . آنان فقط در موقعیتی خاص و یگانه ظاهر میشوند ، و این موقعیت اینست که فقط در خانه آنانست که مجالس باده‌گاری نازتها تشکیل میشود و « جادو » های بزرگ خلق میشوند .

در مورد اگساتا کاتها ، نام آنان اشتقاقی از aexar «شجاعان» است که با تغییر اصواتی که در زبان سکائی بوجود آمده است ، می‌توان گفت که از کاتتاریا (Kattaria) سانسکریت ، که چنانکه گفته شد ، واژه‌ای فنی بوده است ، مشتق شده است .

اما « بوریاتها » ، ظاهراً گروه اصلی آنان ، به صورتهای دگرگون شده ، تروتمندانند ، و در مقایسه با اگساتا کاتها که تعدادشان معدود است ، تقریباً توده مردم را تشکیل میداده‌اند .

#### ۵- هندواروپائیها و تقسیمات

##### سه گانه اجتماعی

این گروه ، بعنوان جامعه اشتراکی هند و ایرانیها نیز مشهورند . این نظریه تقسیمات سه گانه اجتماعی موضوع آغازین تحقیقاتی بوده است که حدود بیست سال بطول انجامیده و نتیجه آن بطور خلاصه بشرح زیر است :

اولا - جدا از هندوایرانیها ، اقوام هندواروپائی‌ای که در زمان باستان شناخته شده‌اند یا عملادارای این تقسیم‌بندی سه گانه بوده‌اند و یا در افسانه‌هایی که اصل و منشاء خود را بیان می‌کرده‌اند ، عوامل اولیه تشکیل دهنده خود را ، همانند تقسیم‌بندی فوق‌الذکر به سه دسته تقسیم نموده‌اند .

دوما - در دنیای باستان ، در کشور Seres در کولونی های

هرکول ، در لیبی و شمال عربستان ، هیچیک از اقوام غیر هندو اروپائی ، نه در عمل و نه در آثار فکری خود ، دارای چنین ساخت سه گانه ای نبوده اند ، اگر هم گاه دارای چنین ساختی شده اند ، تنها پس از تماس یافتن با اقوام هندو اروپائی بوده است ، تماس هایی که محل و تاریخ آن ها مشخص است . برای اثبات این مدعا نمونه های زیر را ذکر می کنیم :

### ۶- طبقات اجتماعی در میان سلتها (Celtes)

نمونه کامل این مثالها ، نمونه غربی ترین هند و اروپائیها است که عبارتند از سلتها و ایتالیائیها **Italiots** از این جهت وجود تعداد زیادی واژه های مشابه در اصطلاحات مذهبی ، اداری و حقوقی ، در زبانهای هندو اروپائی از یکسو و در زبانهای سلتی و ایتالیائی - و فقط همین دو - از سوی دیگر نباید حیرت ما را برانگیزد .

اگر مدارک و اسنادی را که وضع جامعه رویه زوال گل (Gaule) را که قیصر روم بر آنها غلبه کرد ، و متونی را که وضع جامعه ایرلند را ، کمی پس از گرویدن آن به مسیحیت نشان میدهد بررسی و مقایسه کنیم ، به این نتیجه خواهیم رسید که تحت عنوان ریگ (rig) (معادل دقیق فوتتیک واژه raj و بعدها reg سانسکریت) نوعی جامعه با مشخصات زیر وجود داشته است :

۱- طبقه **druides** ، که همانند برهمنها فراتر از طبقات دیگر قرار می دادند و مانند مرزبانان نیرومند و بر همه مسلط است (dru - yid) به زبان دیگر ، اینان «بسیار فرزانه» اند که عبارتند از روحانیون ، حقوقدانان و نگاهبان رندگان سنت .

۲- اشراف نظامی ، تنها مالکان زمین ، **Flaith** ایرلندیها **Vlato** گلها و **Gewalt** آلمانیها ) که به معنای کامل «قدرت» اند که معادل دقیق واژه کشاتریا **Ksatrla** سانسکریت است که هسته اصلی کارکرد جنگجویان است .

۳- دامپرووران ، همان **bo airig** ایرلندی است ، که مردانی آزادند (**aiiaig**) که خود را فقط دارندگان احشام میدانند .

البته نه مسلم است و نه حتی احتمال آن می رود که این واژه آخر ، که معرف تمام مردان آزاد است که بوسیله قانون

حمایت میشوند و در انتخاب فرمانروا در انجمن ها و جشنهای فصلی شرکت می جویند مشتق از واژه قدیمی هند و ایرانی آریا باشد (**arya**) سانسکریت **arya** و **arya** در اوستا **Airyā** در است **laeg** بمعنای مرد ، که از **arya - ka** مشتق میشود) . اما این مطلب چندان اهمیت ندارد ، چرا که تابلوی سه گانه سلتی دقیقا همان تابلوی واقعی را با آرهانی جوامع هندو ایرانی را باز مینماید .

### ۷- موسسان افسانه ای رم و سه قبیله ابتدائی

رم باستان ، تا آنجا که میدانیم ، دارای تقسیم بندی کار کردی نبوده است : تضاد اریاب - برده از نوعی دیگر است .

می تردید این وضع از تحول وضع دیگری پدید آمده است که در اصل از سه قبیله ابتدائی تشکیل شده است ، این وضع پیش از اتروسکها وجود داشته است ، چنانکه سه واژه اتروسکی **Remus** و **Lucres** و **Titenses**

تا حدودی همان سه گانه ای است که ما مورد بررسی قرار داده ایم نشان میدهد این امر همانست که افسانه های مربوط به اصل و منشأ رومیها را باز مینمایاند .

بر اساس افسانه ای که پیش از همه متداول بوده است ، رم از سه عامل قومی تشکیل شده است : دوستان لاتینی رومولوس و رموس **Remus** ، و متحدان اتروسک که بوسیله لو کومون **Lucumon**

بر رومولوس میبندند (دشمنان اروپائی) **Sabins** (که رومولوس را در رود **Titus Tatius** آنان گروه اول **Romnes** و گروه دوم **Luceres** و گروه سوم **Titenses** را ایجاد می آورند) کار کرد هر یک از گروه های فوق

شرح زیر است :

۱- **(Sabins)** های تاتیوس اساسا صاحب رمانند .

۲- لو کومون **Lucumon** و گروه او در فنون جنگ چیره دست اند .

۳- رومولوس از پشتیبانهای اولیه ژوپیتز برخوردار است ، و بدینسان حالت نیمه خدائی دارد . لقب او **rex - augur** ژوپیتز خالق **urbs** و بنیاد گذار نهادی جمهوری **(Republica)** یا کشور است .

گاهی اتروسکها از افسانه حذف میشوند ، ولی کار کردهای سه گانه باز

میبماند ، چرا که رومولوس و پیروان لاتینی اش وظائف پیشوایان روحانی و نیز جنگجویی را بر عهده میگیرند . در کتاب اوید **Ovibe** بنام **Fastes** ماجرای اتحاد رومیها با سابینها (**Sabins**) بخوبی شرح داده شده است .

### ۸- پروپرس (Properce)

در اولین سروده های رومی اصل و منشأ این نظریه سه قومی را بطور کل شرح داده است . وی ویژگی کار کردی هر یک از سه قبیله فوق را مشخص نموده است : این کار پروپرس ، که سه قبیله اصلی را با یکدیگر مساوی نموده است (**Auguste**) در زمان او گوشت انجام شده است .

### ۹- تقسیمات ایونیها (Ioniens)

در میان یونانیها ایونیها ظاهرا قدیمیترین آنتیها هستند . اینان در آغاز به چهار قبیله تقسیم میشده اند که نقش هر یک از این قبایل در سازمان اجتماعی مشخص بوده است .

نام سنتی هر یک از این قبایل کاملا روشن نیست . پلوتارک آنها را چهار نوع (**types de**) میدانند . این تپها به احتمال زیاد روحانیون یا مجتهدان جنگجویان یا پاسداران ، کشتکاران و صنعتگران هستند . ( بر اساس نوشته های استرابون ، افلاطون و سولون) احتمال آن میرود که سه طبقه پیشینهای افلاطون ، فلاسفه حکمران ، جنگجویان مدافع ، و طبقه ای که مولد ثروت اند - با هماهنگی کامل اخلاقی و فلسفی شان - که گاه به اندیشه های

هندی بسیار نزدیک است تا حدودی از آنچه یونانیها درباره تفکر ایرانی می دانستند ، و نیز تا حدی هم از تفکر فیثاغورثیان ، که بی تردید به دوران بسیار قدیمتر هلنیها و پیش از هلنیها باز می گردد ، ریشه گرفته باشد .

### ۱۰- تقسیمات سه گانه اجتماعی در دنیای باستان

جستجوی ما برای یافتن نمونه مستقلی که ، چه در عمل و چه در اندیشه ، با طرح هماهنگ هندو اروپائیها در زمینه تقسیمات سه گانه اجتماعی همسان باشد بی نتیجه بوده است . در این کاوش ، جامعه های باستانی سبیری ، چینی ، عبری ، فنیقی ، و جوامع باستانی سومری بین النهرین ، و بطور کلی ناحیه وسیع

(J. H Bseasted . Ancient Records of Egypt, the Dynasty 1906. P. 165)

«تائنی محاسب نظامی (Thaneni)»

محبوب فرمانروای خود، تمامی سرزمین را به نمایندگی شاه بازدید میکردی، هر فرد را با زرسی می کردی، و سربازان، روحانیون، بردگان شاه و همه صنعتگران تمامی آن سرزمین را می شناختی، همه احشام، ماکیان و گوسفندان را، شماره می کردی.»

جالب اینست که توت فوسیس چهارم (۱۴۱۵ - ۱۴۰۵) اولین فرعونی است که با یک شاهزاده خانم آریایی **Mitani** دختر پادشاهی با نام **Artatama** ازدواج میکند.

چنین بنظر میرسد که این نشانه نمایز طبقه ای جنگجو است، که منزلت «اخلاقی» ویژه ای دارد و با طبقه ممتاز دیگری که از روحانیون تشکیل میشود، متحد است. این طبقه جنگجو در اصل از ابداعات هندو اروپایی است که با کمک گرفتن از ارابه و اسب، علت و وسیله توسعه و گسترش آنها بوده است. نوشته های هیروگلیف و میخی نشان داده است که تمدنهای کهن همواره از این متخصصان جنگ که دنیای بیرون را فتح کرده اند، در وحشت و هراس بودند.

قاتحانی (Conquistadores) که سه هزار سال بعد در دنیای جدید امپراطوریهای کهن را مضمحل می کنند.

شبیبه آنانند، اینترا بانام **Mariani** که در یونان و ایتالیا پیدا شده است مشخص می گردند. این واژه از **Marya** هندو اروپایی گرفته شده است که پس از **S. Wickander** در سال ۱۹۳۸ م. موقوف شده است ثابت کند که اینان اعضای همان

**Mammerbunde** هائی هستند که در میان قبایل ژرمن یافته است.

### ۱۱- تئوری و عمل

مقایسه قدیمیترین اسناد هندو ایرانی سلتی، ایتالیائی و یونانی دلائل معتبری در مورد پیمایش شدن این تئوریا در عمل - یا اشکال مختلف آنها - بدست نمیدهد، در اینجا باید آنچه را که درباره آریائیهای اوستا پیش از این گفته شد تعمیم دهیم. احتمال آن هست که جامعه بطور کلی میان سه طبقه روحانیون، جنگجویان و شبانان تقسیم

سرزمین اروپا را مورد بررسی قرار داده ایم.

آنچه در جوامع مذکور مشاهده میشود یا جامعه های بی طبقه چاندرتشین است و یا جامعه های دین سالار

(Theocratic)

ساکن، که یک فرمانروا - پیشوای مذهبی، یک امپراطور روحانی، در حالتی متعادل در مقابل توده مردم قرار دارد. یا جوامعی هستند که جادوگر در آنها فقط یک متخصص است در میان متخصصان دیگر و با اینکه قدرت او موجب ترس و وحشت است، واجد هیچ گونه امتیازی نیست. هیچ سند قدیم یا جدیدی در دست نیست، که ثابت کند در این جوامع ساخت سه طبقه اجتماع - یا سلسله مراتب و با کارکردهای جداگانه وجود داشته است.

اقوام غیر هند و اروپائی دنیای باستان بخصوص در خاور میانه ظاهر اخود را با ساخت سلسله مراتبی سازگار کرده اند و علت این بوده است که آنان این ساخت را بر اثر نفوذ همسایگان هندو اروپائی خود اختیار کرده اند. این نفوذ در هزاره دوم پیش از میلاد، بر اثر هجوم گروههای خوفناک هندو اروپائی **Louvitans** و هیتی ها و آریاها - که بی ترس و واگمه در سرزمینهای مختلف پراکنده شده اند تحمیل شده است.

مثلا این موضوع در مورد مصر «کاستی» صادقست - کشوریکه در قرن پنجم میلادی یونانیها خیال میکردند که اصل و منشاء طبقات کارکردی یونان را در آن یافته اند.

در واقع، این ساخت فقط بر اثر تماس با هند و اروپائیها، که در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد در سوریه و آسیای صغیر ظاهر شده اند - بوجود آمده است. اینان به مصریان رام کردن اسب و کاربرد مختلف آنها نیز آموختند. فقط در این دوره است که فرعون مصر برای ادامه اقتدار خود ارتش منظمی تشکیل داد و طبقه نظامیان را بوجود آورد، چیزی که پیش از آن در مصر به هیچوجه دیده نشده است.

قدیمیترین سندی که از « چند کارکردی» (**Multifunctionnel**) بودن جامعه مصر قدیم، بر جای مانده، سنگ نوشته ای از دوره توت موسیس (**Thot mosis**) چهارم است:

میشده است. نیز می توان تصور کرد که جامعه پارهای از کالانها یا خاندانهای «متخصص» را - که یکی از آنان راز و رمزهای دینی را در اختیار دارد، دیگری ابداعات و تکنیکهای جنگی، و سومی منابع و جادوهای دامپروری را - برتر از دیگران پنداشته است. در حالیکه اکثریت جامعه، که واجد امتیازی نیست، با امتیاز کمتری دارد، در موقعیتهای مختلف بر حسب ضرورت به یکی از طبقات سه گانه فوق اعتماد کرده و رهبری آنها پذیرفته است.

با اینهمه پارهای ارقام موجود در اسناد مورد مطالعه ضابطه های بسیار دقیقی بدست میدهند: از جمله «۳۳ خدا» ی ریگ ودا که یک جامعه الهی را مجسم می کند که تصویر ذهنی جامعه واقعی آریاهاست و گاه بصورت سه گروه ۱۰ قائی تفکیک میشوند که با یک عدد ۳ کامل میشود. نیز در رم، ۳۳ نفر

**Comitia Curiata**

را تشکیل میدهند که ۳۰ نفر آنها، یعنی ۳×۱۰، نماینده سه قبیله ابتدائی هستند که هر یک کارکرد جداگانه ای دارد، **Titenses**، **Luceres**، **Ramnes** که با سه کاهن پیشگو کامل میشود.

۱۲ - سه کارکرد بنیادی

آنچه برای محقق قابل توجه است، تقسیمات سه گانه اجتماعی و شرح جزئیات تاریخی آن نیست، بلکه اصول طبقه بندی و نوع ایدئولوژی ای است که، واقعی یا خیالی، ایجاد کرده است.

در آنچه خواندید بارها با اصطلاح کارکرد و سه کارکرد بنیادی برخورد میشود که در واقع باید دانست که منظور از آن سه فعالیت اساسی دینی، جنگی و تولیدی است که میباید حیات انسانها را تضمین کند تا جمع بتواند دوام آورد و زندگی خود را بهبود بخشد. در حالیکه حوزه «کارکرد» به این چشم انداز اجتماعی محدود نمیشود.

در اندیشه های فلسفی هند و اروپائیها، این تقسیم بندی سه گانه و مفاهیم انتزاعی سه گانه ای برای سه کارکرد برهن، کشاوری و ویژه - بعنوان بنیاد سه طبقه اجتماعی، پیش از دوره وداها و پس از آن - بوجود آمده بود. این طبقه بندی بر اساس نظریات ما، بعنوان وسیله ای برای کشف واقعیت

این هماهنگی ها ، این همبستگیها ، که برای ابراز همنردی و همنوایی است که یکی از هدفهای آئین مذهبی میباشد - گاه معانی بسیار ژرف دارند و گاه بسیار سطحی و کوه کانه اند.

بعنوان مثال ، سه «کارکرد» مورد بحث به ترتیب میان سه (به معنای پسر (fils) یا «صفات» - نیکی - شهوت - ظلمت - که براساس فلسفه *samkhya* از آمیختن آنها و ترکیبات متفاوتشان ، تمام آنچه در جهان وجود دارد پدید می آید ، توزیع شده اند.

باروری - انسان و حیوان و گیاه - و در عین حال تغذیه و ثروت ، تندرستی ، صلح با کامیابها و امتیازاتی که دارد - و اغلب لذت جوئی زیبایی و نیز عقیده مهم «تعداد کثیر» - که نه فقط بردارائیها (فراوانی) بلکه بر انسانهایی که کالبد اجتماعی را تشکیل میدهند ، اطلاق می شود - در شمار این کارکرد دانسته میشوند.

آنچه گفته شد تعاریف پیش ساخته نبود ، بلکه تعلیمی گوناگون بود که در بسیاری موارد جنبه های عملی ایدئولوژی تقسیمات سه گانه را نشان میدهد.

هندشناسان با کاربردهائی که از این تقسیمات سه گانه پس از عصر وداها فراتر میروند آشنایند : از جمله بعلمت نوعی شیفتگی ۳ یادآور سیر نزولی طبقه بندی در اندیشه چینی است - که مثلا مفاهیم و تطورات متحد یا متضاد *Yin* و *yang* یانگ و یین تقسیم کرده اند - هند سه طبقه اجتماعی را با عناصر خیالی یا واقعی سه گانه ای که یا قبلا وجود داشته اند و یا برحسب ضرورت ایجاد شده اند ، در رابطه قرار میدهد.

های مادی و اخلاقی ، و یا وسیله ای برای منظم کردن تصوراتی که از سوی جامعه مجاز شناخته میشوند است ، تلقی شده است . اکنون بسادگی میتوان بر «کارکرد» های اول و دوم بر حسب هائی چسباند که معانی چندگانه آنها را باز نماید : از یک سو « چیزهای مقدس » و رابطه انسانها با آن (مناسک مذهبی ، جادو) و یا انسانهایی که در این حد فاصل قرار دارند و لطف خدا شامل حال آنانست (حقوقدانان و مدیران) و نیز قدرت فرمانروائی که از طریق شاه یا ماموران او ، هماهنگ با اراده الهی یا الطاف الهی اعمال میشود ، و سرانجام ، خیلی کلی تر ، علم و دانش - که از اندیشه های دینی و اجرای آنها جدا نیست - و از سوی دیگر نیروی جسمانی ، خشونت و کاربرد قدرت ، کاربردی که در اصل نه بطور کلی - کاربرد بی جنگجویانه است . تعیین خلاصه سومین «کارکرد» بسیار آسانتر از اولی و دومی است این کارکرد شامل قلمروهای بسیاری است که پاره ای از آنها مسلم و قطعی است و پاره ای دیگر چندان مسلم و قطعی نیستند :

### L, Homme Primordial

۳ - در اینجامعناى جمله فرانسى روشن نیست ، از دوستان هم یاری گرفته شد ، آنان هم نتوانستند معنای روشنی برای این شیفتگی بیابند .

